****

[**(مسألة 340)** 1](#_Toc487625592)

[حکم جلوس در اثناء سعی 1](#_Toc487625593)

[ادله قول مشهور (جواز جلوس) 1](#_Toc487625594)

[بررسی حکم تکلیفی هروله در سعی 5](#_Toc487625595)

[روایات دال بر وجوب هروله 5](#_Toc487625596)

[روایات دال بر عدم وجوب هروله 7](#_Toc487625597)

**موضوع**: شرائط صحت /سعی /حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

**(مسألة 340)**

**يجوز الجلوس على الصفا أو المروة أو فيما بينهما للاستراحة، و إن كان الأحوط ترك الجلوس فيما بينهما**.[[1]](#footnote-1)

## حکم جلوس در اثناء سعی

مشهور قائل به جواز جلوس در اثناء سعی برای استراحت شده اند حتی اگر سبب فوت موالات عرفیه شود،

### ادله قول مشهور (جواز جلوس)

و دلیل مشهور، صحیحة معاویة بن عمار است:

وَ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ فِي حَدِيثٍ‏ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنِ الرَّجُلِ يَدْخُلُ فِي السَّعْيِ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ يَجْلِسُ عَلَيْهِمَا قَالَ أَ وَ لَيْسَ هُوَ ذَا يَسْعَى‏ عَلَى الدَّوَابِّ.[[2]](#footnote-2)

مورد این روایت جلوس بر صفا و مروه است و نه جلوس بینهما، ولی نسبت به فرض فوت موالات اطلاق دارد.

الا این که تعلیل به «او لیس هو ذا» ما یصلح للقرینیة است که مقصود از جلوس، جلوس مطلق نیست، بلکه جلوسی است که از شئون سعی باشد و آن جلوس برای دعا است، یعنی همچنان که هنگام سعی بر دابه، جلوس می کند، پس بر روی کوه صفا هم می تواند جلوس کند و معلوم می شود تجویز جلوسی شده که به نحوی اشتغال به سعی نیز باشد، و گرنه تشبیه عرفی نیست و ربطی به جلوس بر صفا پیدا نمی کند، بعد از این که در حال جلوس بر صفا، سعی قطع می شود و عرفی بودن تشبیه به این است که این شخص به صورتی جلوس علی الصفا دارد که از شئون سعی محسوب شود ولو به این که مشغول دعا باشد.

و حداقل ظهور پیدا نمی کند در این که مطلق جلوس، در حال سعی جایز باشد، بلکه شاید زمانی جایز باشد که جالس مشغول به شئون سعی باشد، مثل این که مشغول به دعا باشد، و لذا آیت الله زنجانی فرموده اشتغال به دعا روی صفا، از شئون سعی است.

گویا راوی می گوید می شود بجای ایستادن برای دعا روی صفا، بنشینم، و شاید امام علیه السلام در جواب می فرماید مگر در اثناء سعی روی شتر نمی نشینی؟! پس روی کوه صفا هم می توانی بشینی، زیرا مشغول به دعا هستی که از شئون سعی است.

دلیل دیگر بر جواز جلوس در اثناء سعی برای استراحت، صحیحه حلبی است: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنِ الرَّجُلِ يَطُوفُ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ أَ يَسْتَرِيحُ‏ قَالَ‏ نَعَمْ‏ إِنْ شَاءَ جَلَسَ عَلَى الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَ بَيْنَهُمَا فَلْيَجْلِسْ.[[3]](#footnote-3)

اما دلالت این صحیحه خوب است و نسبت به فرض فوت موالات هم اطلاق دارد، کما این که شامل جلوس مابین مسعی در حال سعی هم می شود.

اما در مقابل این صحیحه، صحیحه عبد الرحمن بن ابی عبد الله قرار دارد: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: لَا يَجْلِسُ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ إِلَّا مَنْ‏ جَهَدَ.[[4]](#footnote-4)

مفهوم روایت این است که اگر جهد و مشقتی حاصل نشده باشد، ساعی نمی تواند جلوس بین الصفا و المروة داشته باشد.

لذا گفته می شود باید صحیحه حلبی که مطلقا حکم به جواز جلوس نموده، بر حالت جهد و مشقت حمل شود، کما این که مرحوم داماد چنین حمل کرده است.

البته ما در لغت جهد را به معنای مطلق مشقت یافتیم و نه مشقت شدیده، اما مرحوم داماد فرموده صحیحه حلبی را به این صحیحه تقیید می زنیم و مخالفت مشهور با این تقیید نیز مضر نیست، زیرا علی و تقی حلبی با این تقیید موافق هستند.

اما به قول محقق خوئی، این جمع عرفی نیست، زیرا تعبیر ان شاء جلس، نمی سازد با این که جواز جلوس، مختص به فرض جهد باشد حتی اگر جهد به مطلق مشقت معنا شود، زیرا ظاهر ان شاء این است که دلبخواهی است و با حمل بر خصوص فرض مشقت نمی سازد.

بله، روایتی که درباره جلوس ما بینهما وارد شده، همین صحیحه حلبی است که حملش را بر جهد، عرفی ندانستیم، اما صحیحه علی بن رئاب در خصوص جهد وارد شده است: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِئَابٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) الرَّجُلُ يُعْيِي فِي الطَّوَافِ أَ لَهُ أَنْ يَسْتَرِيحَ‏ قَالَ‏ نَعَمْ‏ يَسْتَرِيحُ ثُمَّ يَقُومُ فَيَبْنِي عَلَى طَوَافِهِ فِي فَرِيضَةٍ أَوْ غَيْرِهَا وَ يَفْعَلُ ذَلِكَ فِي سَعْيِهِ وَ جَمِيعِ مَنَاسِكِهِ.[[5]](#footnote-5)

سوال می شود که شخصی در حال سعی خسته می شود - و ظاهرا خستگی زائد بر متعارف نیز مورد سوال قرار گرفته، گرچه به حد جهد و مشقت نرسیده باشد - آیا می تواند بنشیند؟ حضرت فرمود اشکالی ندارد و نسبت به فوت موالات عرفیه هم اطلاق دارد، ولی قابل تقیید است و مثل صحیحه حلبی نیست که قابل تقیید به فرض جهد نباشد.

اما نقلی که از حلبیین شد نیز مخالف با آن چیزی است که مرحوم داماد فرموده:، تقی حلبی در الکافی فی الفقه می گوید: لا يجوز الجلوس بين الصفا و المروة، و يجوز الوقوف عند الإعياء حتى تستريح و يجوز الجلوس على الصفا و المروة.[[6]](#footnote-6)

ظاهر وقوف، یعنی ایستادن در مقابل جلوس و حتی در فرض مشقت هم جلوس را اجازه نداده و گفته به هنگام خستگی، فقط می تواند توقف کند، و لذا این عبارت دلالتی بر جواز جلوس در فرض مشقت ندارد و اصلا جلوس را جایز نمی داند و لذا موافق با کلام محقق داماد نخواهد بود..

علی حلبی نیز در اشارة السبق می گوید: لو وقف من إعياء أو جلس لا بين الصفا و المروة بل على كل واحد منهما لم يكن به بأس.[[7]](#footnote-7)

این تعبیر نیز هم وزان تعبیر تقی حلبی است و نگفته جلوس بین صفا و مروه در فرض جهد جایز است، بلکه فقط گفته وقوف بینهما عند الاعیاء و جلوس علی الجبلین جایز است، اما نگفته جلوس بین صفا و مروه در حال جهد جایز است.

ابن زهره هم در غنیه می گوید: لا يجوز الجلوس بين الصفا و المروة، و يجوز الوقوف عند الإعياء و الجلوس على الصفا و المروة.[[8]](#footnote-8)

یعنی جلوس بر کوه صفا و مروه جایز است، اما در اثناء سعی، فقط وقوف عند الاعیاء جایز است و کیدری نیز همین طور در اصباح الشیعة دارد: لا يجوز الجلوس بين الصفا و المروة و يجوز الوقوف عند الإعياء و الجلوس على الصفا و المروة.[[9]](#footnote-9)

## بررسی حکم تکلیفی هروله در سعی

محقق خوئی بعد از این بحث سراغ احکام سعی رفته است، اما ما در این جا به بحث هروله و حکم آن می پردازیم، البته چون مشهور قائل به استحباب هستند، محقق خوئی بحث از هروله را در انتهاء مناسک در بحث آداب مطرح کرده است، اما چون شبهه وجوب دارد و حلبی در الکافی فی الفقه هروله را واجب می داند، لذا طرح آن در این جا مناسب است، محقق داماد هم شبهه وجوب هروله را تقویت کرده است و آن را متقضای برخی روایات دانسته است.

### روایات دال بر وجوب هروله

دلیل بر وجوب هروله، صحیحه معاویة بن عمار است: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي سَمَّاكٍ‏ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: ثُمَّ انْحَدِرْ مَاشِياً وَ عَلَيْكَ السَّكِينَةَ وَ الْوَقَارَ حَتَّى‏ تَأْتِيَ‏ الْمَنَارَةَ وَ هِيَ طَرَفُ الْمَسْعَى- فَاسْعَ مِلْ‏ءَ فُرُوجِكَ وَ قُلْ بِسْمِ اللَّهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ- وَ قُلِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ اعْفُ عَمَّا تَعْلَمُ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ حَتَّى تَبْلُغَ الْمَنَارَةَ الْأُخْرَى قَالَ وَ كَانَ الْمَسْعَى أَوْسَعَ مِمَّا هُوَ الْيَوْمَ وَ لَكِنَّ النَّاسَ ضَيَّقُوهُ ثُمَّ امْشِ وَ عَلَيْكَ السَّكِينَةَ وَ الْوَقَارَ فَاصْعَدْ عَلَيْهَا حَتَّى يَبْدُوَ لَكَ الْبَيْتُ- فَاصْنَعْ عَلَيْهَا كَمَا صَنَعْتَ عَلَى الصَّفَا- ثُمَّ طُفْ بَيْنَهُمَا سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ تَبْدَأُ بِالصَّفَا وَ تَخْتِمُ بِالْمَرْوَةِ ثُمَّ قَصِّرْ الْحَدِيثَ.[[10]](#footnote-10)[[11]](#footnote-11)

هروله دویدن نیست، بلکه بین دویدن و مشی است که همان تند راه رفتن است که در این روایت با تعبیر «ملء فروجک» از آن یاد شده و در روایت دیگر «رَمَل» آمده که همان تند راه رفتن است.

ظاهر روایت این است که در مقداری از مسعی، هروله واجب است، چون ظهور امر در وجوب است و چنین نیست که در عداد مستحبات زیادی نقل شده باشد که بگوییم قرینه می شود بر عدم تحقق ظهور صیغه امر در وجوب، بلکه واجبات هم در کنار امر به هروله ذکر شده است، علاوه بر این که برخی مثل مرحوم امام و محقق داماد، خطاب امر را ظاهر در وجوب نمی دانند، بلکه حجت عقلائیه در وجوب می دانند و لذا حتی اگر ظهور هم در وجوب پیدا نکند، اما حجت عقلائیه است و به قول محقق خوئی، خطاب امر، موضوع وجوب عقلی است، مگر ترخیص در خلافش بیاید.

از موثقه سماعة نیز استفاده وجوب هروله شده است: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْحَسَنِ عَنْ زُرْعَةَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ‏ عَنِ السَّعْيِ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ قَالَ إِذَا انْتَهَيْتَ إِلَى الدَّارِ الَّتِي عَلَى يَمِينِكَ عِنْدَ أَوَّلِ الْوَادِي فَاسْعَ حَتَّى تَنْتَهِيَ إِلَى أَوَّلِ زُقَاقٍ‏ عَنْ يَمِينِكَ بَعْدَ مَا تُجَاوِزُ الْوَادِيَ إِلَى الْمَرْوَةِ فَإِذَا انْتَهَيْتَ إِلَيْهِ فَكُفَّ عَنِ السَّعْيِ وَ امْشِ مَشْياً وَ إِذَا جِئْتَ مِنْ عِنْدِ الْمَرْوَةِ فَابْدَأْ مِنْ عِنْدِ الزُّقَاقِ الَّذِي وَصَفْتُ لَكَ فَإِذَا انْتَهَيْتَ إِلَى الْبَابِ الَّذِي مِنْ قِبَلِ الصَّفَا بَعْدَ مَا تُجَاوِزُ الْوَادِيَ فَاكْفُفْ عَنِ السَّعْيِ وَ امْشِ مَشْياً فَإِنَّمَا السَّعْيُ عَلَى الرِّجَالِ وَ لَيْسَ عَلَى النِّسَاءِ سَعْي[[12]](#footnote-12)‏

ظاهر ذیل این روایت هم وجوب هروله بر رجال است و از این که نفی سعی از زنان کرده، معلوم می شود مقصود از سعی در این روایت، همان هروله است، و گرنه اصل سعی که قطعا بر زنان واجب است.

بله، صدر موثقه ظهور در وجوب ندارد، زیرا شاید سوال از کیفیت هروله بوده باشد و از این که هروله بین صفا و مروه چگونه باید باشد و حضرت نیز در جواب فرموده از کجا تا کجا برود، اما ظهور ندارد که هروله واجب است یا مستحب، و لذا ما به ذیل موثقه تمسک می کنیم که انما السعی علی الرجال ظهور در وجوب هروله دارد.

مرحوم صدوق نیز روایت مرسله ای نقل کرده که از آن نیز استفاده وجوب هروله می شود: وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) وَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ (عليه السلام) مَنْ سَهَا عَنِ السَّعْيِ حَتَّى يَصِيرَ مِنَ السَّعْيِ عَلَى بَعْضِهِ أَوْ كُلِّهِ ثُمَّ ذَكَرَ فَلَا يَصْرِفْ وَجْهَهُ‏ مُنْصَرِفاً وَ لَكِنْ يَرْجِعُ الْقَهْقَرَى إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي يَجِبُ مِنْهُ السَّعْيُ.[[13]](#footnote-13)

ظاهر روایت این است که اگر کسی سهوا در مکان هروله، این عمل را انجام نداد، نباید صورتش را برگرداند که پشت به مروه شود، بلکه به پشت باید برگردد تا به مناره اولی که ابتداء مکان هروله است برسد و از آن جا هروله را تدارک کند که ظهور در وجوب هروله دارد.

### روایات دال بر عدم وجوب هروله

اما در مقابل این روایات، صحیحه سعید اعرج وجود دارد که از آن استفاده عدم وجوب هروله می شود: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ سَعِيدٍ الْأَعْرَج‏ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنْ رَجُلٍ تَرَكَ شَيْئاً مِنَ‏ الرَّمَلِ‏ فِي سَعْيِهِ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ قَالَ لَا شَيْ‏ءَ عَلَيْهِ.[[14]](#footnote-14)

به این تقریب که صحیحه فوق نسبت به کسی که ترک هروله کرده، فرموده «لا شیء علیه» و اطلاق دارد، هم از این جهت که شامل علم و عمد و نسیان می شود و هم از این جهت که می گوید بر ذمه تارک هروله چیزی نیست، و سعیش باطل نیست و اعاده و کفاره ندارد و این دلیل بر عدم وجوب هروله است، لذا گفته­اند ظاهر این روایت عدم وجوب هروله است و چون ظهورش در عدم وجوب قوی است، صلاحیت برای رفع ید از ظهور ادله دال بر وجوب هروله دارد.

1. [مناسك الحج (للخوئي)، ص: 147](http://lib.eshia.ir/21006/1/147) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص501، أبواب جواز الجلوس للاستراحة فی أثناء السعی...، باب20، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/501/السعی) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص501، أبواب جواز الجلوس للاستراحة فی ءثناء السعی...، باب20، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/501/السعی) [↑](#footnote-ref-3)
4. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص502، أبواب جواز الجلوس للاستراحة فی أثناء السعی...، باب20، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/502/السعی) [↑](#footnote-ref-4)
5. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص388، أبواب جواز الاستراحة فی الطواف و السعی...، باب46، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/388/السعی) [↑](#footnote-ref-5)
6. [الكافي في الفقه؛ -- ؛ 196؛ فأما السعي ؛ ص : 196](http://lib.eshia.ir/10033/1/196) [↑](#footnote-ref-6)
7. [إشارة السبق إلى معرفة الحق؛ -- ؛ 133؛ [كتاب الحج‌] ؛ ص : 123](http://lib.eshia.ir/10181/1/133) [↑](#footnote-ref-7)
8. [غنية النزوع إلى علمي الأصول و الفروع؛ -- ؛ 179؛ الفصل التاسع: في السعي ؛ ص : 177](http://lib.eshia.ir/13037/1/179) [↑](#footnote-ref-8)
9. [إصباح الشيعة بمصباح الشريعة؛ -- ؛ 157؛ الفصل السابع السعي ركن ؛ ص : 156](http://lib.eshia.ir/26558/1/157) [↑](#footnote-ref-9)
10. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص482، أبواب وجوب السعی سبعة اشواط...، باب6، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/482/السعی) [↑](#footnote-ref-10)
11. وسائل الشيعة ج‏13 482 6 باب وجوب السعي سبعة أشواط و الابتداء بالصفا و الختم بالمروة و استحباب الهرولة بين المنارتين و الدعاء فيه بالمأثور و كثرة الصلاة على محمد و آله ص ..... ص : 481 [↑](#footnote-ref-11)
12. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص483، أبواب وجوب السعی سبعة أشواط...، باب6، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/483/المنارتین) [↑](#footnote-ref-12)
13. [من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج2، ص521.](http://lib.eshia.ir/11021/2/521/السعی) [↑](#footnote-ref-13)
14. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص487، أبواب أن من ترک الهرولة فی السعی...، باب9، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/487/ترک) [↑](#footnote-ref-14)